



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

هامل ، کلیه قوانین معریه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۱۴۰

دوشنبه ۱۹ خرداد ماه ۱۳۳۱

سال هشتم

ماه مسلسل ۸

دوره هفدهم مجله شورای ملی

مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۸

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز سه شنبه سیزدهم خرداد ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- قرائت گزارش اعتبارنامه نمایندگی آقای دکتر بقائی از کرمان و خروج آن از دستور
- ۳- طرح گزارش اعتبارنامه آقای دکتر شایگان نماینده تهران و تصویب آن
- ۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و نیم صبح بریاست آقای اورنگ تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس
رئیس - صورت غائبین جلسه گذشته بعرض میرسد .
(بشرح زیر قرائت شد)
غائبین با اجازه - آقایان : احمد اذگر مهدی شوکتی
غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر حسین فاطمی - حاج سید ابوالقاسم کاشانی نریمان سید باقر جلالی موسوی ، محمد علی دادور
رئیس - در صورت مجلس نظری هست یا خیر ؟ آقای بهادری
بهادری - بنده راجع به تعیین وقت جلسات میخواستم بعرض برسانم
رئیس - چشم ، بماند برای بعد ، در صورت مجلس نظری نیست ؟
(اظهاری نشد)
صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد

(۲- قرائت گزارش اعتبارنامه نمایندگی آقای دکتر بقائی از کرمان و خروج آن از دستور)
رئیس - آقای خسرو قشقائی .
(آقای خسرو قشقائی گزارش کمیسیون تحقیق راجع به انتخابات کرمان و نمایندگی آقای دکتر بقائی را بشرح زیر قرائت کردند)
گزارش کمیسیون تحقیق به مجلس شورای ملی
پرونده انتخابات کرمان که بمخالفت آقایان میراشرافی و عامری بکمیسیون تحقیق ارجاع شده بود مورد رسیدگی قرار گرفت جریان کار بشرح ذیل بعرض مجلس شورای ملی میرسد :
جریان کلی انتخابات کرمان بشرح گزارش شماره ۵ از شعبه پنجم باستحضار

آقایان نمایندگان محترم رسیده است .
آقای میراشرافی یکی از معترضین در کمیسیون حضور یافته و توضیح دادند طبق قانون اساسی و قانون انتخابات آقای دکتر بقائی نمیتوانند از دو محل انتخاب شوند ولی ایشان در یک روز قبولی خود را از هر دو حوزه اعلام داشتند و در مورد انتخابات کرمان باید بگویم آقای دکتر بقائی با اعمال نفوذ انتخاب شده اند و مستند اینجانب اوراق و شکایات مضبوط در پرونده انتخابات کرمان است . توضیحاً اینکه عدم مخالفت با آقای مهندس رضوی این بوده که ایشان محبوب مردم و با آراء طبیعی انتخاب شده اند ولی آقای دکتر بقائی با زور و اعمال نفوذ .
سپس آقای دکتر بقائی منتخب مورد اعتراض در کمیسیون حضور یافتند و پس از استحضار از اعتراضات آقای میراشرافی گفتند موادی که مورد استناد معترض برای عدم انتخاب یک نفر از دو محل بوده مؤید اعتراض و ادعای ایشان نیست بلکه این مواد نمایندگی اینجانب را از دو محل تأیید مینماید و در مورد جریان کلی انتخابات کرمان هم مجلس صحت جریان انتخابات کرمان را تصویب نموده کمیسیون با توجه با اعتراضات معترض و مدافعات منتخب و توجه با اسناد پرونده گزارش شماره ۵ از شعبه پنجم دائر بنمایندگی آقای دکتر بقائی از کرمان را تأیید و اتخاذ تصمیم را در مورد انتخاب ایشان از دو محل به مجلس شورای ملی واگذار مینماید .
رئیس - پیشنهادی از آقای ملک - مدنی رسیده است قرائت میشود :
(بشرح زیر خوانده شد)
پیشنهاد میکنم اعتبارنامه جناب آقای دکتر بقائی از ردیف تا مراجعت خودشان خارج شود - ملک مدنی

پیشنهاد میکنم (صحیح است) و درستی و یا کدامی آقای مهندس رضوی را تصدیق میکنند (صحیح است) آقای مهندس رضوی زیر این اعتبارنامه را امضاء کرده است انتخابات کرمان را تصدیق کرده است (صحیح است) و مهندس رضوی کسی نیست که اگر با تطمیع و تهدید انتخابات صورت

رسید که پیشنهاد بکنم که از ردیف فعلا خارج شود
تا مراجعت خودشان از مسافرت که بتوانند اخذ تصمیم کنند برای اینکه مجلس باید تصمیم بگیرد که یکی از دو اعتبارنامه باید مورد تصویب مجلس شورای ملی واقع بشود و این منوط به اینست که آقای دکتر بقائی که ذینفع هستند در مجلس حضور داشته باشند و نظر خودشان را اظهار بدارند که حقی از ایشان فوت نشده باشد با بعضی از آقایان هم که مذاکره کردیم اینطور بنظرمان رسید که مصلحت در این است که فعلا پرونده از ردیف خارج بشود تا مراجعت خودشان که با حضور خود ایشان مجلس شورای ملی تعیین تکلیف این پرونده را بکنند و هر طور که مقتضی شد در موقع خودش اخذ تصمیم بشود (صحیح است)

رئیس - آقای مکی با این پیشنهاد مخالفید ؟
مکی - بلی
رئیس - بفرمائید
مکی - طبق یادداشتی که آقای دکتر بقائی بمقام ریاست مجلس نوشته اند دفاع از اعتبارنامه شان را بعهدہ بنده و دو سه نفر دیگر از رفقای خودشان گذاشته اند راجع بگزارشی که مخبر محترم کمیسیون تحقیق قرائت فرمودند و عباراتی را از قول مخالف ذکر کرده بودند که ایشان با اعمال نفوذ انتخاب شدند خوشبختانه رئیس انجمن کرمان آقای مهندس رضوی بوده اند که همه شایستگی و صلاحیت (صحیح است) و درستی و یا کدامی آقای مهندس رضوی را تصدیق میکنند (صحیح است) آقای مهندس رضوی زیر این اعتبارنامه را امضاء کرده است انتخابات کرمان را تصدیق کرده است (صحیح است) و مهندس رضوی کسی نیست که اگر با تطمیع و تهدید انتخابات صورت

گرفته بود وزیر آن صبح بگذارد (صبح است) و اما راجع باینکه از دو حوزة ایشان انتخاب شده اند این تصمیم با مجلس شورای ملی است (صبح است) قانون اساسی ۱۳۶ کرسی برای پارلمان ایران قائل شده است و اصولاً هم بنده مخالف با انتخاب یک نماینده از دو حوزة هستم (صبح است) زیرا ممکن است بدعتی شود که یک نفر از تمام مملکت انتخاب بشود و مشروطیت را تعطیل بکند خود آقای دکتر بقائی هم چنین ادعائی نداشته و بمجلس واگذار کرده است بنا براین گزارش نمایندگان ایشان حوزه انتخابیه کرمان یا تهران مطرح میشود به یکیش رأی گرفته میشود و آن یک خود بخود با تصویب مجلس از بین میروان یک اشکال و ابهامی نیست که این پرونده در بونه اجمال بماند و مدتها زیر گردو غبار بخوابد و مجلس نتواند رویش تصمیم بگیرد این بسته به اراده نمایندگان محترم مجلس شورای ملی است که روی یکی از آن دورای بگیرند

فرامرزی - اگر مجلس الان به پرونده کرمان رأی داد دیگر حق ایشان از تهران ساقط است لابد اینطور میشود

مکی - بنا براین بنده میخواستم عرض کنم که اگر پیشنهاد آقای ملک بعنوان دفاع از پرونده ایشان است بنده از پرونده ایشان دفاع میکنم

ذوالفقاری - هیچ دفاع ندارد فقط اشکال در اینجا است

مکی - اگر اشکال در این است که آقایان در خارج از مجلس به نشینند سه چهار نفر ه شش نفر از زعماء و این را مطرح بکنند یکی از این دو پرونده رایبوردند و مجلس هم با اتفاق آراء رویش نظر بدهد ولی بگذارد تا ایشان برگردد ممکن است پنج ماهش ماه دیگر طول بکشد چرا در این مدت پس احوال نمایندگی یعنی از حقوق نمایندگی محروم باشند (صبح است) بنابراین باید در خارج از جلسه موضوع را مطرح کرد آقایان بنشینند آنها را که بمصلحت مملکت است و آنطوری که بقانون لطمه ای وارد نیآورد چون برای آتیه ممکن است یک سابقه بدی گذاشته شود ، تصمیم بگیرند و بمجلس هم گزارش بدهند و مجلس روی آن اتخاذ تصمیم بکند بنابراین بنده باین دلیل مخالفت کردم که پرونده ایشان نماند تا ایشان از آنجا برگردند جلسه دیگر مطرح بشود و اینکار روشن شود

ملک مدنی - بنده توضیح دارم

قنات آبادی - اجازه فرمائید نوبت بنده است

رئیس - آقا تأمل فرمائید نوبت شما باید برسد اصولاً یک پیشنهاد است که یک موافق توضیح داد و یک مخالف و زائد بر یک موافق و یک مخالف در پیشنهاد نمیتوانند صحبتی فرمایند

قنات آبادی - حضرتعالی توجه نمی فرمائید قبل از اینکه صحبتی بشود بنده اجازه خواسته بودم

گرفته بود وزیر آن صبح بگذارد (صبح است) و اما راجع باینکه از دو حوزة ایشان انتخاب شده اند این تصمیم با مجلس شورای ملی است (صبح است) قانون اساسی ۱۳۶ کرسی برای پارلمان ایران قائل شده است و اصولاً هم بنده مخالف با انتخاب یک نماینده از دو حوزة هستم (صبح است) زیرا ممکن است بدعتی شود که یک نفر از تمام مملکت انتخاب بشود و مشروطیت را تعطیل بکند خود آقای دکتر بقائی هم چنین ادعائی نداشته و بمجلس واگذار کرده است بنا براین گزارش نمایندگان ایشان حوزه انتخابیه کرمان یا تهران مطرح میشود به یکیش رأی گرفته میشود و آن یک خود بخود با تصویب مجلس از بین میروان یک اشکال و ابهامی نیست که این پرونده در بونه اجمال بماند و مدتها زیر گردو غبار بخوابد و مجلس نتواند رویش تصمیم بگیرد این بسته به اراده نمایندگان محترم مجلس شورای ملی است که روی یکی از آن دورای بگیرند

فرامرزی - اگر مجلس الان به پرونده کرمان رأی داد دیگر حق ایشان از تهران ساقط است لابد اینطور میشود

مکی - بنا براین بنده میخواستم عرض کنم که اگر پیشنهاد آقای ملک بعنوان دفاع از پرونده ایشان است بنده از پرونده ایشان دفاع میکنم

ذوالفقاری - هیچ دفاع ندارد فقط اشکال در اینجا است

مکی - اگر اشکال در این است که آقایان در خارج از مجلس به نشینند سه چهار نفر ه شش نفر از زعماء و این را مطرح بکنند یکی از این دو پرونده رایبوردند و مجلس هم با اتفاق آراء رویش نظر بدهد ولی بگذارد تا ایشان برگردد ممکن است پنج ماهش ماه دیگر طول بکشد چرا در این مدت پس احوال نمایندگی یعنی از حقوق نمایندگی محروم باشند (صبح است) بنابراین باید در خارج از جلسه موضوع را مطرح کرد آقایان بنشینند آنها را که بمصلحت مملکت است و آنطوری که بقانون لطمه ای وارد نیآورد چون برای آتیه ممکن است یک سابقه بدی گذاشته شود ، تصمیم بگیرند و بمجلس هم گزارش بدهند و مجلس روی آن اتخاذ تصمیم بکند بنابراین بنده باین دلیل مخالفت کردم که پرونده ایشان نماند تا ایشان از آنجا برگردند جلسه دیگر مطرح بشود و اینکار روشن شود

ملک مدنی - بنده توضیح دارم

قنات آبادی - اجازه فرمائید نوبت بنده است

رئیس - آقا تأمل فرمائید نوبت شما باید برسد اصولاً یک پیشنهاد است که یک موافق توضیح داد و یک مخالف و زائد بر یک موافق و یک مخالف در پیشنهاد نمیتوانند صحبتی فرمایند

قنات آبادی - حضرتعالی توجه نمی فرمائید قبل از اینکه صحبتی بشود بنده اجازه خواسته بودم

مذاکرات مجلس شورای ملی

فرمودند بنده می خواهم استدعا کنم آقایان یا امر فرمائید دستور فرمایند که اداره رادیو نطق مخالف و موافق را کاملاً بگردد اینک مثل اواخر دوره گذشته رادیو را وصل بکنند بمجلس که بیانات آقایان نمایندگان از این جا بسمع کلیه ملت ایران برسد نه اینکه بیانات نماینده ای را ببرند تحریف کنند و هر چه را که میل دارند بگویند و هر چه را میل ندارند نگویند این عرض اول بنده بود البته این موضوع تصمیم قطعی است باجناب آقای رئیس است

خسرو قشقائی - مجلس باید وسائلی داشته باشد که عین نظر را بدهد پرونده ها و رادیو و رادیو هم مطابق آن بگوید کاملاً فرمایشتان صحیح است

میر اشرافی - مخبر اداره تبلیغات اینجا حاضر است یادداشت می کند منظور نطق آقای مهندس زیرک زاده را یادداشت کرد (زیر کرده - تمام نطق بنده نبود) عرض امروز بنده راجع با انتخابات تهران است نسبت با آقایان نمایندگان که بنده اعتراض کردم دو قسمت است یک قسمت راجع بجریان انتخابات تهران است و یک قسمت هم راجع بصلاحت بعضی از آقایان است که البته هر کدام بنوبه خودش گفته میشود و بنده ناگزیر هستم و امروز عین یادداشت های خودم را بگویم برای اینکه دغدغه گذشته عریضی کردم که آن عریضی در رادیو خوانده نشد از این جهت بنده عرض خودم را یادداشت کرده ام آنها را قرائت میکنم و عیناً میبدم با اداره رادیو که دیگر تحریفی نشود این یادداشت را هم میبدم اداره تنه نویسی

آقایان نمایندگان محترم؛ خیلی متأسف هستم از اینکه اطلاعاتیکه در مدت چند سال روزنامه نویسی و مبارزات سیاسی پیدا کرده ام مرا مجبور میسازد یک وظیفه فانی گواری را بعهده بگیرم

تأسف بنده از اینست که چرا باید جریان امور مملکت از یک مجاری غیر مطلوبی سرزند که انسان ناگزیر شود یک حقایق تلخی را بگوید و اسرار ناگفتنی را فاش کند لکن وقتی که انسان در مقابل یک گونه فداکاری هر گونه تلاش برای نجات مملکت مواجه با ناکامی مواجه با حرمانی شود نمی تواند سکوت را پیشه خود سازد آقایان محترم اجازه خواهند داد برای بیان مقصود خود مقدمه ای را که برای عرض مطالب آتی لازم میباشم بیان نمی کنم از روزیکه حرقه روزنامه نگاری هدایت افکار را بعهده گرفتم خواهان مجبور مطلق نبودم از هر فرد هر مدعی اصلاح هر خواهان تغییر اوضاع که ظاهر آن بر نجات مملکت کوشش میکرد استقبال کرده و ویرا با خود همدرد بالطبع خویش را طرد دار وی میدانستم از همین نقطه نظر چند سال قبل عقاید جناب آقای دکتر

فرمودند بنده می خواهم استدعا کنم آقایان یا امر فرمائید دستور فرمایند که اداره رادیو نطق مخالف و موافق را کاملاً بگردد اینک مثل اواخر دوره گذشته رادیو را وصل بکنند بمجلس که بیانات آقایان نمایندگان از این جا بسمع کلیه ملت ایران برسد نه اینکه بیانات نماینده ای را ببرند تحریف کنند و هر چه را که میل دارند بگویند و هر چه را میل ندارند نگویند این عرض اول بنده بود البته این موضوع تصمیم قطعی است باجناب آقای رئیس است

خسرو قشقائی - مجلس باید وسائلی داشته باشد که عین نظر را بدهد پرونده ها و رادیو و رادیو هم مطابق آن بگوید کاملاً فرمایشتان صحیح است

میر اشرافی - مخبر اداره تبلیغات اینجا حاضر است یادداشت می کند منظور نطق آقای مهندس زیرک زاده را یادداشت کرد (زیر کرده - تمام نطق بنده نبود) عرض امروز بنده راجع با انتخابات تهران است نسبت با آقایان نمایندگان که بنده اعتراض کردم دو قسمت است یک قسمت راجع بجریان انتخابات تهران است و یک قسمت هم راجع بصلاحت بعضی از آقایان است که البته هر کدام بنوبه خودش گفته میشود و بنده ناگزیر هستم و امروز عین یادداشت های خودم را بگویم برای اینکه دغدغه گذشته عریضی کردم که آن عریضی در رادیو خوانده نشد از این جهت بنده عرض خودم را یادداشت کرده ام آنها را قرائت میکنم و عیناً میبدم با اداره رادیو که دیگر تحریفی نشود این یادداشت را هم میبدم اداره تنه نویسی

آقایان نمایندگان محترم؛ خیلی متأسف هستم از اینکه اطلاعاتیکه در مدت چند سال روزنامه نویسی و مبارزات سیاسی پیدا کرده ام مرا مجبور میسازد یک وظیفه فانی گواری را بعهده بگیرم

تأسف بنده از اینست که چرا باید جریان امور مملکت از یک مجاری غیر مطلوبی سرزند که انسان ناگزیر شود یک حقایق تلخی را بگوید و اسرار ناگفتنی را فاش کند لکن وقتی که انسان در مقابل یک گونه فداکاری هر گونه تلاش برای نجات مملکت مواجه با ناکامی مواجه با حرمانی شود نمی تواند سکوت را پیشه خود سازد آقایان محترم اجازه خواهند داد برای بیان مقصود خود مقدمه ای را که برای عرض مطالب آتی لازم میباشم بیان نمی کنم از روزیکه حرقه روزنامه نگاری هدایت افکار را بعهده گرفتم خواهان مجبور مطلق نبودم از هر فرد هر مدعی اصلاح هر خواهان تغییر اوضاع که ظاهر آن بر نجات مملکت کوشش میکرد استقبال کرده و ویرا با خود همدرد بالطبع خویش را طرد دار وی میدانستم از همین نقطه نظر چند سال قبل عقاید جناب آقای دکتر

بمصلحت شخص بنده بود اما روزیکه باین مجلس قدم گذاشتیم بر آن مجید سوگند خورده ایم که جز مصلحت مملکت و ملت چیزی در نظر نگیریم

مخالفت بنده با اعتبارنامه آقای دکتر شایگان نخست از نقطه نظر جریان انتخابات تهران است که این قسمت شامل کسانی است که با نمایندگی آنها مخالفت کرده ام چون سلسله حوادث بیکدیگر مربوط است برای روشن شدن ذهن آقایان نمایندگان محترم ناگزیر هستم در ضمن توضیح سوء جریان انتخابات تهران امثال و شواهدی از مداخلات دولت و وزیر کشور یا نایب رئیس و کارگردان سابق انتخابات تهران در انتخابات نقاطی که هنوز جریان آن خاتمه نیافته عرض برسانم هر چند با صدور تصویب نامه توقیف و تعطیل انتخابات آخرین مرحله مداخلات دولت در امر انتخابات آشکار شد و اصول ششم و هفتم قانون اساسی و ماده ۱۴ قانون انتخابات و سایر مواد قانون انتخابات که لگه مال و مقام این قانون شکنی صریح بالای تمام قانون شکنی هاست زیر اموات اخیر الذکر دولت راجع شده است که در مورد اجرای قوانین میان افراد ملت فرق بگذارد تمام مواد قانون انتخابات صراحت دارد که وقتی انجمن نظارت تشکیل شد دولت دیگر حق مداخله در کار انتخابات را ندارد و اختیار انتخابات با انجمنهاست چون این موضوع عجلت نامورد صالح عمومی نمایم

مکن است همکاران و رفقای دیروزی مرا خطا کار بشمارند ولی اجازه بدهید آنها عرض کنم که اشتباهات آنها خطا های آنها اگر نبودن باین کاری که آن ماسکن است خطا کاری بنامند مبادرت نمی کردم ولی اطمینان می دهم آنچه بگویم در آنچه را مخالفت تعبیر نمایند خالی از مغز شخصی و نظر خصوصی است یک انسان وارفته و یک بشری که بیبند نام ایدها و مسامی او بپهوده تلف شده اگر در بیان درد دل و یا سوز دل خود یک طایق را بگوید باید وی را معذور دانست

مجلس شوری ملی در میان طوفان نام بدبختی ها تنها مرجع و مرکز است که یک نفری که بخود اجازه عنوان نمایندگی مملکت را می دهد کتمان حقایق را شعار خود ساخته و از گفتن آنچه می داند خودداری نماید

آنچه میگویم مبالغه تصور فرمائید این مسئله و احساس کرده ام که در دوره هفتم بمجلس بیایم تا بتوانم باین کرسی خطا بود در حضور نمایندگان محترم یک عقاب را بسمع ملت ایران بپرسانم شاید اگر این حقیق برای شما توجیهی نکند و جان خودم در مراد افدای اصل توجیهی قرعه بنمایند مساویت آن متوجه

بمصلحت شخص بنده بود اما روزیکه باین مجلس قدم گذاشتیم بر آن مجید سوگند خورده ایم که جز مصلحت مملکت و ملت چیزی در نظر نگیریم

مخالفت بنده با اعتبارنامه آقای دکتر شایگان نخست از نقطه نظر جریان انتخابات تهران است که این قسمت شامل کسانی است که با نمایندگی آنها مخالفت کرده ام چون سلسله حوادث بیکدیگر مربوط است برای روشن شدن ذهن آقایان نمایندگان محترم ناگزیر هستم در ضمن توضیح سوء جریان انتخابات تهران امثال و شواهدی از مداخلات دولت و وزیر کشور یا نایب رئیس و کارگردان سابق انتخابات تهران در انتخابات نقاطی که هنوز جریان آن خاتمه نیافته عرض برسانم هر چند با صدور تصویب نامه توقیف و تعطیل انتخابات آخرین مرحله مداخلات دولت در امر انتخابات آشکار شد و اصول ششم و هفتم قانون اساسی و ماده ۱۴ قانون انتخابات و سایر مواد قانون انتخابات که لگه مال و مقام این قانون شکنی صریح بالای تمام قانون شکنی هاست زیر اموات اخیر الذکر دولت راجع شده است که در مورد اجرای قوانین میان افراد ملت فرق بگذارد تمام مواد قانون انتخابات صراحت دارد که وقتی انجمن نظارت تشکیل شد دولت دیگر حق مداخله در کار انتخابات را ندارد و اختیار انتخابات با انجمنهاست چون این موضوع عجلت نامورد صالح عمومی نمایم

مکن است همکاران و رفقای دیروزی مرا خطا کار بشمارند ولی اجازه بدهید آنها عرض کنم که اشتباهات آنها خطا های آنها اگر نبودن باین کاری که آن ماسکن است خطا کاری بنامند مبادرت نمی کردم ولی اطمینان می دهم آنچه بگویم در آنچه را مخالفت تعبیر نمایند خالی از مغز شخصی و نظر خصوصی است یک انسان وارفته و یک بشری که بیبند نام ایدها و مسامی او بپهوده تلف شده اگر در بیان درد دل و یا سوز دل خود یک طایق را بگوید باید وی را معذور دانست

مجلس شوری ملی در میان طوفان نام بدبختی ها تنها مرجع و مرکز است که یک نفری که بخود اجازه عنوان نمایندگی مملکت را می دهد کتمان حقایق را شعار خود ساخته و از گفتن آنچه می داند خودداری نماید

آنچه میگویم مبالغه تصور فرمائید این مسئله و احساس کرده ام که در دوره هفتم بمجلس بیایم تا بتوانم باین کرسی خطا بود در حضور نمایندگان محترم یک عقاب را بسمع ملت ایران بپرسانم شاید اگر این حقیق برای شما توجیهی نکند و جان خودم در مراد افدای اصل توجیهی قرعه بنمایند مساویت آن متوجه

دولتی است که با ایجاد چنین مقدماتی بکنان نتایج ناگواری را برای مملکت تهیه نماید

آقای رئیس آقایان و کلا ، امیدوارم به بنده اعتراض نفرمائید که خارج از موضوع انتخابات طهران صحبت میکنم زیرا برای اثبات مداخلات بی دردی دولت در جریان انتخابات تهران باید اسناد و مدارک و شواهد و نظایری ارائه داد . یک شاهد زنده یک مدرک غیر قابل انکار راجع بمداخلات دولت در انتخابات که مورد تصدیق ضمنی آقای نخست وزیر نیز واقع شده دستوری است که درباره انتخابات بهجهان صادر شد که مفاد آن عرض میسرده .

البته این دستور بر عرض آقایان نمایندگان رسید و در اکثر جرایدهم منتشر شد و این دستوری است که رئیس ژاندارمری بهجهان مستقیماً برداشته بفرمانده لشکر و فرمانداری نوشته که امر گردید که بایستی آقای غروی از آنجا وکیل شود و عین این نامه محرمانه در جراید منتشر شد فقط ایرادی که آقای نخست وزیر گرفتند این بود که چه شده این نامه محرمانه در دسترس جراید قرار گرفت و الا در اصل موضوع اشکالی نشد البته هم نامه رئیس ژاندارمری و هم نامه آقای دکتر مصدق هست که اگر آقایان اجازه فرمائید خوانده میشود (دکتر معظمی - در موقع انتخابات بهجهان قرائت فرمائید)

(خسرو قشقائی - در انتخابات شهرضا بوده گویا جای تأسف است که ولیا عدولت مهار اندیشه را از دست داده عصبانی شده و با نوشتن این نامه و تقاضای تعقیب نویسنده نامه محرمانه باین بنده فرصت دادند که اگر ارفاق نکنم علیه مداخلات دولت در جریان انتخابات بار دیگر اعلام جرم نمایم

این سابقه یعنی سابقه اعلام جرم علیه مداخلات وزراء در جریان انتخابات راجع به آقای دکتر مصدق بامدرس داده اند هنگامیکه علیه مرحوم تدین و جناب آقای سهیلی ظاهرأ بهمین علت اعلام جرم نمودند

آقایان به بنده اعتراض فرمائید انتخابات بهجهان چه از تباطلی با جریان انتخابات تهران دارد ؟

آقایان نمایندگان محترم فاصله بهجهان تا تهران چند صد کیلومتر است . با آنکه جناب آقای دکتر مصدق یک عامل سابقه را برای انتخابات خوزستان مأمور فرمودند باینکه تمام مأمورین کشوری و لشگری را برای همین مقصود تئیر بدادند معهدا از اوزاع انجام مقصود خود چنین اسنادی را از فکر درست خود بیرون داده اند اما در تهران مورد نداشت سند کتبی بدهند پیشوای مطلق آمر مطلق آنچه میخواست شفاهاً باین و آن تکلیف و اوامر شفاهی بتمام مأمورین دولت در شهربانی ژاندارمری و ادارات دولتی

ایشانرا مستغنی مساخت که سند کتبی بدهند .

در جریان انتخابات این قرار گرفت

دلایل بیشار و اظهارات و شهادت عده کثیری از اعضاء و رؤساء انجمنهای فرعی حکایت از مداخلات انکارناپذیر دولت و مخدوش بودن و رسوا بودن این انتخابات میکند

دلیل اساسی اینست که درینو شروع انتخابات تهران دولت وزیر کشوری نداشت زیرا یقین نداشتند که وزیر کشور مجری تمام اوامر باشد باین جهت تاخاتمه انتخابات طهران تمام جریان انتخابات این شهر بدون وجود وزیر کشور ادامه پیدا کرد

آقایان نمایندگان محترم برای اینکه بدانید جریان امور کشور از چه قرار است همین موضوع عدم تعیین وزیر کشور را در جریان انتخابات تهران و سپس علت آمدن و سبب رفتن آقای اللهیار صالح و درخاتمه علت انتصاب جناب آقای رام نایب رئیس سابق تهران را بوزارت کشور تحقیق فرمائید تا اسرار درد ناکی برای همگی فاش شود .

آقای اللهیار صالح ۲۹ روز وزیر کشور بودند وقتی که آقای صالح وزیر کشور شدند اولین روز رفتند خدمت آقای نخست وزیر و بایشان گفته بودند که آقا من حاضر نیستم در امر وزارت کشور هیچکس مداخله کند آقای نخست وزیر هم بایشان اجازه داده بودند که کلیه اوراق و اسنادی کشور ببرند و هیچکس هم در کار ایشان حق مداخله ندارد پس از اینکه آقای اللهیار صالح آمدند چندین حوزه که بلا تکلیف بود از جمله تربت ، مشکین شهر ، بندر پهلوی که آقای معتمد دماوندی اینجا نشسته اند اینجائها که بلا تکلیف بود و مورد اعتراض دولت بود که نمیخواستند انتخابات آنجاها خاتمه پیدا کند آقای صالح انتخابات آنجاها را جریان انداختند در یک جلسه هیئت دولت بین آقای اللهیار صالح و آقای نخست وزیر مشاجره حضوری پیدا شده بطوریکه آقای نخست وزیر شدیداً با آقای اللهیار صالح اعتراض فرمودند که آقا شما رفته اید که مخالفین ما را در بیارید آقای صالح هم گفته اند که من زرفته ام ببینم کی مخالف است و کی موافق است من زرفته ام که هر کس رأی داشت در بیاید و بهمین جهت هم اوقات آقای صالح تلخ شد و از وزارت کشور کرد و بیرون کرد

چرا ؟ دولت دستگاہ نخست وزیر متوجه شدند که اللهیار صالح کسی نیست که تحت امر اوامر دستگاہ دولتی باشد (مهندس زیرک زاده - این اخبار از کجا پیدا شده صحیح بنظر نمیآید) همش صحیح است بجان شما از دستگاہ غلام یحیی و پیشوای بیرون

میآید بلی مقصود عناصری است که در آن دستگاه همکاری میکردند اینجانب آقای نخست وزیر را واقفاً با اینکه مابا آقای دکتر مصدق باروشش مخالف هستم بلی معتمد خودم مرد صالحی بود (صحیح است) وحیف که امروزه بدست یک عده ای ناصالح شد یکمردی که وجهه ملی داشت و امروز بدرد ملت و مملکت میخورد امروز طوری شده است آن حرفهایی که برای تدبیر و سهیلی و رزم آرا و وزیر میزدند با کمال خجلت و شرمندگی باید برای دکتر مصدق برنندافسوس دولت آقای دکتر مصدق در عرض چند ماه اخیر مداخلات علنی و صریحی در امر انتخابات شهرستانها نموده که توقف و تعطیل و احضار فرمانداران و اعزام مورمغصوس و دستور اوامر صریح نمونههایی از آنهاست و این دولت در انجام مقاصد غیر قانونی خود یک مشاور و ناصح مشفق داشته و آن آقای رام نایب رئیس و مسئول و کارگردان سابق انتخابات تهران و وزیر کشور فعلی بوده است این ناصح مشفق و همکار بلا اراده و مضیع و خدمتگزار با سابقه بیاداش مداخلات خود در انتخابات تهران و بری اینک انتخابات سایر نقاط را نیز بمنزل انتخابات تهران جریان دهد بوزارت کشور منصوب شد چنانچه حضرت آیت الله حاج سید محمد تقی الدین جزایری عنصر روحانی با شخصیت و نایب رئیس دوم انجمن نظارت تهران در مراسم خود این حقیقت دردناک را بصراحت تمام به آقای نخست وزیر مندرگ کردند .

باید اقرار کرد که پس از نزل بمقام وزارت کشور بود که آقای نخست وزیر مانند آقای رام زهیر و شریک جرمی برای خود پیدا کردند و تا آن اندازه که مضعیت اجازه میداد انصافاً جناب آقای وزیر کشور در فلج کردن تمام جریان انتخابات ولایات و تعطیل عملی مجلس و معرجم ساختن چند میلیون نفر از حق انتخاب و کپل کامیابی حاصل نمودند .

نام جناب آقای وزیر کشور فعلی و نایب رئیس و صحنه گردان انتخابات خواه ناخواه ما را از جریان انتخابات ولایات منصرف و متوجه تهران میسازد . و اما اعتراض بنده بجرایم انتخابات تهران که آقای دکتر شایگان صاحب پرونده مورد مخالفت بنده نیز از مدعیان نامیدگی این حوزه هستند برقرار است .

۱ - هیئتی که بنام انجمن نظارت انتخابات تهران در دوره گرد آمده بودند صلاحیت اطلاق چنین عنوانی را بخود نداشته زیرا فرمانداری که ایشان را برای کفالت انجمن دعوت کرده مخالف قانون تعیین گردیده بود فرماندار باید بنا به پیشنهاد استاندار و تصویب وزارت کشور با صدور فرمان همایونی تعیین گردد در اینجا آقای مفتاح بفر ترتیب مقرر در قانون تعیین شد به همین

جهت آقای هادی اشتری استاندار تهران که بهیچ قیمت حاضر نبود زیر بار خلاف قانون برود استفاداد (ضمناً در این جا بطور جمله معترضه باید عرض کنم که همین آقای فرماندار نیز مثل همه کسانی که توانستند صندوق انتخابات تهران را با آراء پاروئی پر کنند پاداش خود را گرفت و همین ماه گذشته بطرز غیر طبیعی بسمت استانداری مازندران ارتقاء مقام یافت) (توخود حدیث مفصل بخوان از این مجلد)

۲ - بموجب قانون انتخابات انجمن نظار باید از بین ۳۶ نفر از طبقات شش کانه مالکین - زارعین - اصناف - تجار علماء - اعیان و همچنین از معتمدین محل که مورد دعوت فرماندار قانونی قرار می گیرد انتخاب شوند در اینجا ادعا شده که ۱۰۸ نفر فرماندار تعیین نمود و باقره از بین کسانی تعیین شده اند که خود را انجمن نظار مرکزی انتخابات معرفی نموده اند بدیهی است چون اساس تشکیل انجمن بر خلاف ترتیب مقرر در قانون بوده انجمن صلاحیت نداشته است

۳ - انحراف از رعایت این اصل مهم و صراحت قانون است که انجمن نظارت انتخابات تهران از کسانی تشکیل شده بود که بانجمن خانوادگی کاندیدای دولت بیشتر شهادت داشت تا انجمن انتخابات بنده نمیخواهم در اینجا اسامی یکایک اعضا انجمن و درجه فرایت آنها را با هر یک از آقایان مدعیان نامیدگی تهران بعرض برسانم آقای زیرک زاده بک ایرادی گرفتند بانخابات قم که در انتخابات قم انجمن که تشکیل شد یکی از اقوام آقای تولیت جزء انجمن بود در صورتیکه انجمن تهران را وقتی نگاه کنیم میبینیم که تمام از قوا و بستگان و اقوام آقایان بوده اند منجمده و نفرشان رفیق جناب آقای نریمان بوده اند که امروز اولین روز است تشریف آورده اند آن رفیق ایشان آقای شهناز است (نریمان - افتخارش این است که رفیق بنده است و بنده هم افتخار دارم که رفیق او بودم) اوسوقتاً در بانک روس هم در قزوین کار میکرد (نریمان - اشتباه میکنید) شما اشتباه میکنید (زنگ رئیس) خیلی هم اشتباه میکنید آقای نریمان

۴ - علاوه بر اینکه بستگی اکثریت این انجمن قانونی نیست زیرا مسلم است که قرعه ولو زبان فهمم باشد هرگز نمی تواند ۳۶ نفر از طبقات ششگانه و معتمدین محل طبق پیش بینی قانون انتخاب کند در حالی که نظر اصلی قانونگذار غیر از این بوده است

۵ - آقای شیخ علی مدرس بک روحانی جلیل القدری است که چندین دوره مردم بهران او را انتخاب کرده اند و ایشان از قبول و کالت استنکاف نموده اند و بهیچوجه با جریانها ارتباطی ندارند و نود درصد از بازیگران را هم نمی شناسند سن ایشان و شوخوخت ایشان مجال و فرصت توجه باین امور را نمی داد حالت مزاجی ایشانهم اجازه نمی داد که روزی ۸ ساعت وقت خود را صرف جریان انتخابات بکنند ولی اولیاء امور و کارگردانهای انتخابات تهران لازم دیدند یک چنین شخصیتی را وسیله قرار دهند و بنام او انتخابات تهران را بجریان بیندازند جناب آقای نخست وزیر سه مرتبه شخصاً بمنزل ایشان رفتند هر چه

خواهش کردند این شخصیت سالخورده عنبر خواست و جواب رد داد دقعه آخر سیاست ارباب و تهدید بکار رفت و حتی روزی در جریان تشکیل انجمن درب خانه ایشان را آتش زدند و بالاخره این پیرمرد جلیل - القدر را راضی کردند که بتعیین ایشان بسمت ریاست انجمن نظارت شهر تهران اعتراض نکند اما لازم نیست در جریان انتخابات مداخله نمایند یا نظارتی داشته باشد

۶ - وجود اشخاص بیسواد چه در بین ۳۶ نفرو چه در انجمن نظارت مرکزی از قبیل آقایان شمشیری - کریم آبادی - کدخدا اسمعیل قصاب - غلامحسین اتفاق و همچنین وجود اشخاص بی سواد در انجمن تجرش که اسامی آنها در پرونده موجود و مورد اعتراض مردم شیرانات قرار گرفت همچنین وجود این اشخاص در انجمن لواسانات و رودبار قصران و کن وارنگه و شهرستانک بکلی عملیات انجمنها را از اعتبار قانونی می اندازد زیرا صراحت قانون در عدم دخالت بیسوادها در انجمنهای نظار در اساس قانونی بودن تشکیل و در نحوه عدم رعایت آن انجمن را از صلاحیت قانونی خارج می سازد

۷ - در تشکیل انجمنهای فرعی رعایت بیطرفی نگردید و در حقیقت باید گفت که مأمورین برای اجرای نظریات انجمن خانوادگی انتخابات مرکزی تعیین شدند و باید اعتراف کرد که مدعیان نامیدگی تهران این تجربه را از انتخابات دوره ۱۶ تهران کسب کرده بودند زیرا در دوره شانزدهم هنگامیکه آقای دکتر مصدق پیشوای جبهه ملی طرف شورای عالی انجمن های محلی تهران مرکب از نمایندگان رسمی ۱۶۰ انجمن نامه ای بفرماندار تهران ارسال گردید و تقاضا شد در دعوت معتمدین محل با نظر آن انجمن عمل نمایند لیکن فرماندار آن روز تهران یا استاندار کنونی مازندران بدون رعایت قانون و اصول و سنن و سابقه دست بتشکیل یک انجمن نظار خانوادگی زد .

۸ - آقای شیخ علی مدرس بک روحانی جلیل القدری است که چندین دوره مردم بهران او را انتخاب کرده اند و ایشان از قبول و کالت استنکاف نموده اند و بهیچوجه با جریانها ارتباطی ندارند و نود درصد از بازیگران را هم نمی شناسند سن ایشان و شوخوخت ایشان مجال و فرصت توجه باین امور را نمی داد حالت مزاجی ایشانهم اجازه نمی داد که روزی ۸ ساعت وقت خود را صرف جریان انتخابات بکنند ولی اولیاء امور و کارگردانهای انتخابات تهران لازم دیدند یک چنین شخصیتی را وسیله قرار دهند و بنام او انتخابات تهران را بجریان بیندازند جناب آقای نخست وزیر سه مرتبه شخصاً بمنزل ایشان رفتند هر چه

خواهش کردند این شخصیت سالخورده عنبر خواست و جواب رد داد دقعه آخر سیاست ارباب و تهدید بکار رفت و حتی روزی در جریان تشکیل انجمن درب خانه ایشان را آتش زدند و بالاخره این پیرمرد جلیل - القدر را راضی کردند که بتعیین ایشان بسمت ریاست انجمن نظارت شهر تهران اعتراض نکند اما لازم نیست در جریان انتخابات مداخله نمایند یا نظارتی داشته باشد

۶ - وجود اشخاص بیسواد چه در بین ۳۶ نفرو چه در انجمن نظارت مرکزی از قبیل آقایان شمشیری - کریم آبادی - کدخدا اسمعیل قصاب - غلامحسین اتفاق و همچنین وجود اشخاص بی سواد در انجمن تجرش که اسامی آنها در پرونده موجود و مورد اعتراض مردم شیرانات قرار گرفت همچنین وجود این اشخاص در انجمن لواسانات و رودبار قصران و کن وارنگه و شهرستانک بکلی عملیات انجمنها را از اعتبار قانونی می اندازد زیرا صراحت قانون در عدم دخالت بیسوادها در انجمنهای نظار در اساس قانونی بودن تشکیل و در نحوه عدم رعایت آن انجمن را از صلاحیت قانونی خارج می سازد

۷ - در تشکیل انجمنهای فرعی رعایت بیطرفی نگردید و در حقیقت باید گفت که مأمورین برای اجرای نظریات انجمن خانوادگی انتخابات مرکزی تعیین شدند و باید اعتراف کرد که مدعیان نامیدگی تهران این تجربه را از انتخابات دوره ۱۶ تهران کسب کرده بودند زیرا در دوره شانزدهم هنگامیکه آقای دکتر مصدق پیشوای جبهه ملی طرف شورای عالی انجمن های محلی تهران مرکب از نمایندگان رسمی ۱۶۰ انجمن نامه ای بفرماندار تهران ارسال گردید و تقاضا شد در دعوت معتمدین محل با نظر آن انجمن عمل نمایند لیکن فرماندار آن روز تهران یا استاندار کنونی مازندران بدون رعایت قانون و اصول و سنن و سابقه دست بتشکیل یک انجمن نظار خانوادگی زد .

۸ - آقای شیخ علی مدرس بک روحانی جلیل القدری است که چندین دوره مردم بهران او را انتخاب کرده اند و ایشان از قبول و کالت استنکاف نموده اند و بهیچوجه با جریانها ارتباطی ندارند و نود درصد از بازیگران را هم نمی شناسند سن ایشان و شوخوخت ایشان مجال و فرصت توجه باین امور را نمی داد حالت مزاجی ایشانهم اجازه نمی داد که روزی ۸ ساعت وقت خود را صرف جریان انتخابات بکنند ولی اولیاء امور و کارگردانهای انتخابات تهران لازم دیدند یک چنین شخصیتی را وسیله قرار دهند و بنام او انتخابات تهران را بجریان بیندازند جناب آقای نخست وزیر سه مرتبه شخصاً بمنزل ایشان رفتند هر چه

کاندیدهای دولت رأی بدهند بدینگری می خواستند رأی بدهند و اما برعکس در تقاطعی که مایل بر ریختن رأی دستی و صادر کردن تعرفه سفید بودند که آن تعرفه ها در دست اشخاص میباشند مثل مسجد تر کهها در عرض ۳ روز ۳۶۰۰ رأی صورت دادند که گرفته شده است ۳۶۰۰ رأی را حساب کنید چه جور می شود خود آقای دکتر مصدق در زمانی که آقای قوام السلطنه انتخابات را انجام دادند حساب کردند که برای هر رأی پنج دقیقه حوالاً ۳۶۰۰ رأی را حساب کنید (یک نفر از نمایندگان - ممکن است) بلی اگر درش را باز کنند یک دقیقه پر میشود در حالیکه شاید جمع آراء (سلسیل) بهزار رأی نرسید به همین جهت حوزه های فرعی را چاقو کشان منتسب بدارودسته دولتی که در حادثه ۱۴ آذر ماهیت خود را نشان داده و لقب مردم شرافتمند گرفته بودند آقایان نظرمبار کتان هست که وقتیکه روز ۱۴ آذر شد چند اداره روزنامه را غارت کردند و ما را از هستی ساقط کردند آقای امیر تیمور کلالی در آن وقت وزیر کشور و رئیس شهربانی بودند شب در رادیو یک اعلامیه ای دادند که این مردمی که امروز رفتند غارت کردند اینها مردم شرافتمند تهران بودند کلامی در آن وقت وزیر کشور و رئیس شهربانی بودند شب در رادیو یک اعلامیه ای دادند که این مردمی که امروز رفتند غارت کردند اینها مردم شرافتمند تهران بودند

۸ - طرز کار انجمنهای فرعی چه از نظر تشکیل و چه از نظر اخذ آراء و چه در فرات آن بر خلاف قانون بوده و عملیات انجمن را از اعتبار قانونی ساقط مینماید زیرا انجمنهای فرعی نیز اصولاً میبایستی مثل انجمن اصلی از بین ۳۶ نفریکه در قانون تصریح گردیده انتخاب شوند در اینجا بهیچوجه هیچک از انجمنهای ۱۲۰ گانه بشکلی که قانون تصریح نموده تعیین نگردیده اند دلیل بنده پرونده امر میباشد که در اختیار فرمانداری تهران است .

انجمن مرکزی برای هر حوزه فرعی انضامی را دعوت کرد که خود آنها از بین خردشان هیئت رئیس را تعیین نمایند در حالی که باید ۳۶ نفر دعوت شوند که آنها از بین خود اعضاء اصلی و علی البدل را تعیین کنند و نظریه رعایت این نکات عملیات انجمن از درجه اعتبار ساقط است

اعضاء انجمنها دارای نظریات شخصی و خصوصی نسبت بکاندیدهاها بودند مثلاً وقتی آراء بانامزدهای دولتی ریخته میشد باسلام و صلوات استقبال میکردند ولی هر کسی نام مخالفان دولت را در آراء خود داشت با توهین و هتاک و بربر و میشد و حتی الامکان مانع گرفتن رأی او میشدند و بطور کلی در اکثر حوزهها تهدیدهای دهندگان یک امر عادی بوده است همان تهدیدی که جناب آقای مهندس زیرک زاده فرمودند تهدید در تهران بیشتر از همه جا بود است بعلاوه در اخذ آراء بهیچوجه رعایت مقررات نشده زیرا در حوزه هائیکه رأی دولتی ریخته میشد انجمنها کار نمی کردند و سایرین مختلف کار را تعطیل نمودند مثلاً انجمن سلسیل رأی ۵۰۰ نفر را برگرداند که صورتجلس شد آن روز بیش از ۵۰۰ رأی نگرفت و بندهم انجمن را تعطیل کردند چرا؟ برای اینکه این بانصد نفر نمیخواستند .

وقرائت نگردانند و چندتن از کسانی که خود عامل انجام اینکار بوده الان حاضرند ممکن است شهادت بدهند برای اثبات این مدعا بطوریکه مسلم شده در اعلام جرمی که از طرف آقای عیندی نوری مدیر روزنامه داد بععل آمد و در همان تاریخ تقاضا شد که از معدوم ساختن آراء صرف نظر و آنها را یکمرتبه دیگر بانعداد آرائی که صورت داده شده باحضور نماینده دادستان و مخبرین جرائم مخالف و بیطرف تطبیق نمایند ولیکن انجمن که بهیچوجه اینکار را مصلحت خود نمی دید باین تقاضا ترتیب اثر نداد

۱۰ - آقایان نمایندگان محترم خوب توجه فرمائید خوب دقت فرمائید صرف نظر از این دلایل و مدارک زنده و غیر قابل انکار یک سند زنده و غیر قابل انکاریکه باعتراف شخص آقای نخست وزیر و اکثر آقایان اعضاء جبهه ملی و منتخبین تهران رسیده تعداد و میزان سیر طبیعی آراء تهران در مدت سه روز است که بدون کمک تردید بظان و مخدوش بودن انتخابات این حوزه را ثابت و مدلل میدارد

در انتخابات دوره هفدهم تهران در مدت ۳ روز ۱۴۵ هزار رأی اخذ شده است شخص آقای دکتر مصدق نخست وزیر اولین کسی است که این انتخابات را باطل میدانند زیرا ایشان در تخصص بدر بارها ششاهی در دوره پانزدهم ضمن اعلامیه خود به انتخابات اندوره تهران اعتراض نمودند که چگونه در مدت (۵) روز ۷۰ هزار رأی در تهران بصندوقها ریخته شده و در اعلامیه خود مدعی شده بود که چون حدا کثر برای اخذ یک رأی قانونی ۵ دقیقه وقت لازم است چگونه در مدت (۵) روز ۷۵ هزار رأی بصندوقها سر از زیر شده است حالا صد و چهل هزار رأی چه جور شده است لابد بابا جان خانی بوده است آقایان اعضاء جبهه ملی لا اقل شما خودتان با اظهارات آقای دکتر مصدق اعتقاد دارید بنا بر این جواب بدهید چگونه در عرض سه روز ۱۴۵ هزار رأی بصندوق ریخته شد؟ و اگر در دوره پانزدهم بنا ب ادعای آقای دکتر مصدق ۷۵ هزار رأی را نمیشد در مدت ۵ روز بصندوق ریخت چگونه در دوره هفدهم پانزدهم را بصندوق ریختند این انتخابات برق اساس است این انتخاباتی است که ۹۰ هزار رأی را در خانه آقایان حسینی و سنجابی نوشتند و بنا ب اقرار چند نفر از طلاب مسجد سپهسالار که گفته اند نصف شعبه ۵ بهمن ماه از روزنه پشت بام مسجد سپهسالار دیدند آقایان مشغول ریختن آراء دستی بصندوق بوده اند و وجود تعرفه های سفید در دست اشخاص نیز شاهد این مدعا است دلیل بظان انتخابات تهران را باید از نظر تعداد

زیاد است یعنی از ۳ هزار رأی بیشتر است چنانکه اشها اطراف صندوق را احاطه کرده بودند تا حریم امنیت ایجاد کنند و عده ای هم که به نامشان تعرفه صادر میشد دست بمر کب نمی زدند و با شناسنامه های جمع آوری شده در دفتر بر میشد . تعرفه های مکرر باسم اشخاص معین در یک حوزه و همچنین تعرفه های سفید در دست مدیران جرایم است که در خانه انتخابات ضمن مصاحبه ای که در مجلس تشکیل شد آن تعرفه ها با اعضاء هیئت رئیس مجلس سنا ارائه گردید و آقای تقی زاده اظهار داشتند (این را دیگر نمی دانستم که تعرفه سفید باطل میکنند ؟) و عین آنها در روزنامه فرمان گراور شده که بنظر آقایان محترم میرسام و یکی از موارد اعتراض آقایان مدیران جرائد در باره انتخابات همین موضوع بود .

۹ - در قرائت آراء نیز بر خلاف قانون عمل شده زیرا آراء همه کاندیدها را خوانده اند

آرائی که انجمن صورت داده جستجو کرد و هیچ دلیل زنده ای بهتر از این بطق آقای حائری زاده نیست که در یک روزنامه چاپ شده است و بنده استخراج کردم قسمتی از نطق حائری زاده است که در جلسه مورخ هشتم اردیبهشت ۱۳۲۸ استخراج کرده ام این را انتخابات نمیشود گفت کسانیکه بنام آنها سند اعتبار نامه صادر میشود افکار ملت ایران اینها را با اعتبار نمیدانند و دلیل آنرا از اظهارات آقایان حائری زاده و د کتر بقائی در دوره پانزدهم میتوان جستجو کرد این اظهارات که ذیلا قرائت میشود اقرار مدعیان بنمایندگی تهران بظان انتخابات شهری می باشد که ۱۴۵ هزار رأی برای آن بحساب آورده اند اینک متن نطق آقای حائری زاده

(قسمتی از نطق آقای حائری زاده در جلسه ۱۵۷ دوره پانزدهم مورخ پنجشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۲۸ است که میگویند این را طرز انتخاب نمی دود گفت کسانی که بنام آنها سند نمایندگی صادر میشود اینها نماینده افکار ملت نیستند ما در تهران جمعیتش را فرض میکنیم یک میلیون نفر دیگرش از یک میلیون تهران جمعیت ندارد ولی با آرائش مراجع کنید ببینید برای شهر تهران چقدر جمعیت فرض کرده اند این یک میلیون جمعیتی که شهر تهران دارد مطابق قانون زنها که حق شرکت در انتخابات ندارند پس بانصد هزار احد اقل مستثنی است بانصد هزار نفر دیگر میمانند این بانصدهزار نفر روی درجات سن و تعلقاتی که برای سنین مختلف انسانی پیش میآید مثلاً وقتی طبقه بندی میکنیم دو نملش کسانی هستند که کمتر از بیست سال دارند چون بچه ای که تولد میشود خطر اتش خیلی زیاد است تا بسن رشد ونمو برسد و بدرد خدمت سربازی بخورد تلفاتش خیلی زیاد است پس دولتش کمتر از بیست سال است ما این بانصدهزار نفری که داریم باید دولتشان را موضوع کنیم که حق شرکت در انتخابات را ندارند باقی میماند صد وهفتاد وهشتاد هزار نفر حالا حساب دقیق را آقایان قلم دارید بکنید)

این بیانی است که آقای حائری زاده میکند حالا آقایان قلمتان را در بیارید و حساب بکنید معلوم میشود این ۴۵ هزار نفر تازه بدینا آمده اند آقای حائری زاده در دوره پانزده حساب کرده اند و فرموده اند با این حسابهایی که میکنیم عده ای که می توانند برای بنده صد هزار نفر بیشتر نمیشود این را بنده نمیگویم آقای حائری زاده می گویند

۱۰ - بنده انتخا سند میکنم از بیان شما و پرده را میزنم بالا

۱۱ - میرا شرافتی - پرده را همه اش را بالا بزنید ما آمدیم اینجا که پرده را بالا بزنیم نیامدیم که تعارف بهم تحویل بدهیم شما بگوئید ما هم میگوئیم

۱۲ - بنده انتخا سند میکنم از بیان شما و پرده را میزنم بالا

عبدالرحمن فرامرزی - برده یوشی خویش نه برده دردی
گریزی - مردم بهتر میدانند
میراشرفی - مردم همه میدانند
گریزی - مردم بهترین فاشی هستند
میراشرفی - ما آمده ایم این جا بحرف بزنیم مهمانی که نیامده این جا فرمایشات جناب آقای حائری زاده است و بنده هم همین اظهارات ایشان را عرض کردم (این صد و هشتاد هزار نفری که حق شرکت در انتخابات دارند و از طبقه نسوان هم نیستند مردم دیگری داریم ، اتباع خارجه که حق شرکت در انتخابات ندارند در ایران عده زیادی هستند ، قشونها ، مأمورین شهربانی و ژاندارمری حق شرکت در انتخابات ندارند عده شان را آقای وزیر جنگ و آقای وزیر کشور تشریف آورده اند تعیین میکنند ، خدا کتر اشخاصی را که در تهران میتوانند از این حق قانونی خودشان استفاده کنند که یک نفر هم از قلم نیفتد از صد هزار نفر نمی تواند بیشتر باشد)
 باین ترتیب ملاحظه میفرمایند که خود آقایان مدعی هستند وقتی تهران دارای یک میلیون نفر جمعیت باشد این شهر بیش از ۷۵ هزار رای نخواهد داشت در صورتی که آقای دکتر مصدق در دوره پانزدهم این نظر را هم قبول نداشت و برای شهر یک میلیون نفری اخذ ۷۵ هزار رای را در مدت ۵ روز زائد و دایل بطلان انتخابات میدانست اما حالا کارگردانان انتخابات دوره چهاردهم و پانزدهم سر بلند کنند و در نظر ملت ایران روسفید باشند زیرا مدعیان آزاد بخوامی و اصلاح طلبی چنان مرتکب رسوائی و فساد شدند و چنان بی پروا بر حقوق مردم تاخند و چنان ادعاهای گذشته خود را یکایک عملاً باطل نمودند که ملت باید چراغ بر دارد و بدینال گذشتگان کردد .
 آقایان محترم : اسناد و مدارک رسوائی انتخابات تهران خارج از اندازه است و حتی بی انصاف ترین افراد نیز با مطالعه پرونده انتخابات تهران انکار نمیکنند و این انتخابات یک صورت مفذعی برای خارج ساختن افراد مورد نظر بوده است
 این انتخابات مفذع رسوا زیر نظر آقای رام نایب رئیس انجمن نظار و وزیر کشور قلعی و آقای مفتاح فرماندار و استاندار امروز انجام شد چنانکها در تحت امر ایشان افسار گسیختگان مزدور در تحت فرمان و اوراق جبهه ملی تهدید کننده مخالفان بودند و در یک محیط ارباب و وحشت و اخافه و ترور ناشیه از حادثه ۱۴ آذر که فقط منظور ترساندن مخالفان صورت گرفته بود انجام گرفت و باین صور سازی مبتنی بر تهدید بنا بر راحت قانون باطل است

آخرین دلیل بر بطلان انتخابات نامه حضرت آیت الله جزایری است که مفاد آن بدقراوت میشود .
 جناب آقای مهندس زیرک زاده در ضمن مطالعه پرونده مشکین شهر یک شکایتی که آقای بزرگ ابراهیمی مدعی و کات مشحین شهر نوشته بودند آنرا دایل قرار دادند که انتخابات آنجا باطل است حال بنده میخواهم نامهای که آقای جزایری آیت الله که خود آقایان هم بایشان ارادت دارند و آقای مکی هم بایشان سابق دوستی دارند پشت تریبون قراوت کنم تا ببینید کدام سند و مدرک است
رئیس - بیست دقیقه بیشتر وقت ندارند .
میراشرفی - نامه آقای جزایری را میخواهم حضور حضرت آقای نخست وزیر محبوب ، رونوشت شب ششگانه مجلس شورای ملی - نامه حضرت تعالی راجع بخرابی اوضاع انتخابات داعی را که عضو انجمن انتخابات تهران بود جرأت بخشید (معلوم میشود تا بجل جرات نداشتند نظر بلاقای که بملکت و شخص حضرت تعالی دارم و مرا ارادتمند قدیمی خودتان میدانید حقایقی را که تا اکنون جرأت اظهار نداشتیم اظهار کنم و چون بیترضی معروم انشاء الله حسن اثر خواهد داشت خرابی انتخابات بلاقای که بملکت و شخص حضرت تعالی دارم و مرا ارادتمند قدیمی خودتان میدانید حقایقی را که تا اکنون جرأت اظهار نداشتیم اظهار کنم و چون بیترضی معروم انشاء الله حسن اثر خواهد داشت خرابی انتخابات تهران کم از جای دیگر نبود بلکه سرمشق برای جاهای دیگر شد کما این که دیدیم چند نفری از آنها مردمی بودند که از هزار نفر مردم تهران یک نفر آنها را نمی شناخت (مثل آقای مهندس زیرک زاده) و یا اگر میشناخت بچسن عقیده و صحت عمل نمی شناخت و بالاخره همان خرابکاری ها که در ضمن چند ماده برای انتخابات جاهای دیگر قائل شده بود بدینجو اتم و اکمل در تهران صورت گرفت و مرتکبین هم بطوریکه معمول این مملکت است فوری به مقامات عالیه رسیدند (این را کسی میگوید که مرجع تقلید است یک کسی میگوید که مورد احترام مردم است یک کسی میگوید که خود آقایان رفته اند و آمده اند) نموداً بانته از این بدبختها (عبدالرحمن فرامرزی- گفتید نموداً بانته) به گفتند نموداً بانته (عبدالرحمن فرامرزی- خوب این صحیح نیست نمود بانته صحیح است) (خنده نمایندگان) بهر حال داعی و چند نفر دیگر از رفقای انجمن که ناظر قضایا بودیم نه یاری مخالفت داشتیم و نه جرأت استعفا زیرا که علاوه بر انواع تهمت ها مخصوصاً شخص بنده مورد تهدید شدید بودم برای اینکه استعفا بنده در آن موقع برای آنها گران تمام میشد بالاخره همه میدانید که ریاست محترم انجمن حضرت آقای مدرس اصلا امضاء نفرموده و شخص بنده هم که خیلی کم در انجمن حاضر میشدم نظر به تکلیف شرعی خود اصلا اعتبار نامه

چند نفر را امضاء نکردم بنابراین مقدمات اوامر ارشادی خود را که نسبت بو کلاهی حقیقی صادر فرموده اند و حقاً از روی علاقه باین مملکت و دلسوزی باحوال این مردم است و نمونه بارزی از فدا کارهای گذشته آن جناب است در باب انتخابات تهران هم مخصوصاً تا یکد فرمایند که و کلاهی حقیقی تهران با سایر و کلاهی حقیقی ولایات تشریک مساعی فرمایند و نگذارند این بدنامی برای مردم تهران بماند از خداوند و صاحب شرع مزید توفیقات همرا خواهند امضاء آقای جزایری .
 این نامه آقای جزایری است . آقایان نمایندگان محترم ، آقای آیت الله جزایری کسی نیست که پس از یک عمر زندگی با سربلندی امروز بخاطر منافع شخصی و خصوصی بهتان بزند ایشان در پاسخ نامه آقای نخست وزیر بمجلس شرحی بایشان نوشته اند و بعنوان نایب رئیس انجمن نظارت انتخابات تهران بطلان انتخابات این حوزه را تأیید و از آقای نخست وزیر تقاضا کردند که قبل از هر اقدامی ابطال انتخابات تهران را از مجلس بخواهند و اصلاح را از تهران شروع کنند (گریزی- ایشان اخوی آقای شوشتری هستند) (زنک رئیس) ایشان پدر آقای د کتر جزایری هستند که مرد دلطف آقای مکی است و از شوشتر کسانیدند هستند (مکی- پدر آقای د کتر جزایری سالهاست که فوت کرده) نسبتی که با ایشان دارند (د کتر کیان- برادر ایشان هستند) (مکی- باید از شما پرسید) شاد دعوتش کردید برای آیت اللهی من که دعوتش نکردم (زنک رئیس) .
رئیس - مذاکرات بین الانتین فرماید .
میراشرفی - آقایان محترم ، انتخابات تهران از ابتداء تا انتها مبتنی بر تقلب و حقه بازی و رای سازی انجام گرفته است از موقع تشکیل انجمن تقلب و تزویر شروع شده و در موقع تشکیل انجمن های فرعی این رویه ادامه داشته در هنگام اخذ آراء تهدید و ارعاب و حقه بازی ادامه داشته **رئیس** - آقای میراشرفی سه دقیقه از وقت شما بیشتر نماند
میراشرفی - با تصدیق دو چرخه و با سبیل اموات رای گرفته بموجب حساب دقیق که جزئیات آن خدمت آقایان عرض شد از ۱۴ هزار رای ریخته شده صندوق آن تقلب و ساختگی است بقول آقای حائری زاده ۴۰ هزار رای آن و بقول آقای د کتر بقای ۷۵ هزار رای آن .
 آقایان مسجد سه سالار در جریان انتخابات تهران شاهد یکی از فجع ترین صحنه های حق کشی و تقلبی و تزویر بوده پیدا می کند پس بنابراین بودن یک عده ای

دلیل بر بی قانونی بودن انجمن نیست (مهندس زیرک زاده - بنده هم چنین چیزی نگفتم) ایشان گفته اند اما راجع باین که آقای میراشرفی بابتخاب آقای د کتر شایگان اعتراض کردند و مطالبی راجع به نظر انتخابات فرمودند بنده این جا دیدم که چند نفر از آقایان نمایندگان طهران رای موافق دادند و نسبت چند نفر از آقایان هم اعتراضشان را پس گرفتند پس صحت انتخابات طهران در نظر ایشان محرز بوده که عده ای راهم پس گرفته برای اینکه انجمن نمیتواند برای یک عده درست باشو برای یک عده دیگر نادرست باشد (صحیح است) پس در اینصورت ایرادی نیست اما راجع بفرمایشی که راجع به نامه آقای جزایری فرمودند بنده هم از فرمایشات ایشان اتخاذ سند میکنم و عرض میکنم که این مرد بسیار محترمی هستند و برخلاف عقیده خودشان فرمایشی نمیفرمایند الساعه بنده این جا اعتبار نامه آقای د کتر شایگان را دیدم اولین امضائی که این اعتبار نامه دارد همان امضای آقای جزایری است (میراشرفی- بنده نگفتم اعتبار نامه آقای د کتر شایگان را امضاء امضاء نکردند گفتم چند نفر از امضاء نکرده اند) پس بهترین دلیل برای صحت انتخابات ایشان همان فرمایش جناب آقای جزایری است و هیچ ایرادی نیست اما راجع باینکه فرماندار استان ارو و وزیر شده است این را من گمان نمیکنم که لطمه ای بطلز انتخابات جناب آقای د کتر شایگان بزند البته هر کسی در این مملکت حق ترقی دارد و البته بعد از فرمانداری استانداری است منتهی در مورد ایشان یک قدری زودتر انجام گرفته اما راجع باین که اینهمه نشی شود رای گرفت در تهران و در دوره های قبل هم این جور بوده است بطوریکه اداره آمار بصورت آن نشان میدهد جمعیت طهران بشش میلیون و دویست هزار نفر است و در اینک شرفی و در جاهای دیگر هم بصورت است که بانست جمعیت هر محلی رای میدهند و بنگان زمین میشوند
 مقرررات تشکیل شده (میراشرفی- انجمن فامیلی تشکیل شده) و بطور کلی اتخاذ سند فرمودند که آقای زیرک زاده اعتراض کردند به آقای تولیت که از رفقای ایشان یسا دوستان ایشان در انجمن بودند چون پرونده آقای تولیت یعنی اعتبار نامه ایشان با اکثریت تصویب شد معلوم شد که بیانات و اعتراضات آقای زیرک زاده را مجلس در نظر نگرفته و تصدیق نکرده که اگر چند نفر از دوستان یکی از موکلین در انجمن باشند آن انجمن باطل است . رای مجلس هم صورت قانون پیدا می کند پس بنابراین بودن یک عده ای

که ایراد زیادی از نظر معترض باعتبار نامه آقای د کتر شایگان نبوده و بنده دفاع خودم را بهمین جا خاتمه میدهم چون ایراد بزرگی نبوده یکی دو ایراد اساسی بوده و بقیه کلیات بوده است
رئیس - آقای مکی
مکی - بنده از دفاعی که آقای مخبر محترم فرمودند متشکرم ولی ایراد اساسی نداشته است. (خسرو قشقائی - بنظر ایشان) چنانکه همکاران محترم و نمایندگان عزیز استماع فرمودند دفاع و بیان مطلب آقای میراشرفی نماینده حقیقی و واقعی مشکین شهر (میراشرفی - صد در صد) از انتخابات قلابی تهران قسمت اعظمش مربوط باستیضاح از وزیر کشور ، شخص نخست وزیر و خلاصه جریانهای سیاسی گذشته بود راجع بانتخابات شاید وارد نبود ولی یک نکته اساسی را که ایشان زیاد رویش تکیه کردند و بوقول خودشان خیلی معتقد بودند آنرا اساسی میدانستند این بود که چرا تهران ۱۴۵ هزار رای داده است و طبق بیانی که آقای د کتر مصدق و آقای حائری زاده و آقای د کتر بقائی در دوره پانزدهم در مجلس راجع بانتخابات مجلس مؤسسان (میراشرفی - انتخابات قوام السلطنه مال مؤسسان نبود) انتخابات مؤسسان بوده که ما اعتراض کردیم در مجلس و گفتیم ۲۵۰ هزار رای ریخته بودند و حومه تهران را مستثنی کرده بودند چون در مؤسسان فقط شهرهای میدهند و من بیانی که ایشان کردند حالاهم اتخاذ سند میکنم اگر حق نداشته است ۱۸ هزار رای بریزند پس آن مجلس مؤسسان قلابی بوده است (حائری زاده- مسلم قلابی بوده است) (زنک رئیس) حالا نطق آقای حائری زاده را میخوانید بله ما مجلس مؤسسان را گفتیم حالا هم میگوئیم (میراشرفی- دوره پانزده آقای د کتر مصدق اعلامیه دادند موقعی که در دربار متخصن بودند) آنچه که آقای د کتر مصدق و آقای د کتر بقائی و آقای حائری زاده و بنده گفتیم راجع بمجلس مؤسسان قلابی بوده است صورت مجالس هم موجود است و علاوه اعتراض ما آن دوره این بود که ۱۸ هزار رای بنام ۲۴ بشش میلیون و دویست هزار نفر است و در اینک شرفی و در جاهای دیگر هم بصورت است که بانست جمعیت هر محلی رای میدهند و بنگان زمین میشوند
 مقرررات تشکیل شده (میراشرفی- انجمن فامیلی تشکیل شده) و بطور کلی اتخاذ سند فرمودند که آقای زیرک زاده اعتراض کردند به آقای تولیت که از رفقای ایشان یسا دوستان ایشان در انجمن بودند چون پرونده آقای تولیت یعنی اعتبار نامه ایشان با اکثریت تصویب شد معلوم شد که بیانات و اعتراضات آقای زیرک زاده را مجلس در نظر نگرفته و تصدیق نکرده که اگر چند نفر از دوستان یکی از موکلین در انجمن باشند آن انجمن باطل است . رای مجلس هم صورت قانون پیدا می کند پس بنابراین بودن یک عده ای

دو تا چهار تا است علاوه بعد از مبارزه شرافت مندانه ملت ایران در مقابل یک شرکت خون خواریکه ماسک یک شرکت تجار تی را به آن زده بودند و در باطنش دولت بریتانیای کبیر بود این احساسات را در ملت ایران بیدار کرد و معلوم شد که مبارزات او در مسائل اجتماعی و مبارزات او در مسائل سیاسی و حیاتی ملت ایران کاملاً مؤثر است کما اینکه این قیام شرافتمندانه ملت ایران مؤثر واقع شد و خیلی آقایان شاید امروز تعجب بکنند ولی چند سال دیگر تاریخ قضاوت میکند که قیام شرافتمندانه ملت ایران یک ملت کوچک در مقابل یک بریتانیای کبیر که ۱۵۰ سال دنیائی را بر آن زده بود این را واقماً جز اینکه بگوئیم ملت ایران یک قیام شرافت مندانه کرده و تاریخ باید این قیام را با خطوط درشت و زرین درخودش ضبط به کند چیز دیگری نبوده است بعد از این قیام باید ملت ایران قیام بکنند و باید اینطور رای بدهد پس وحشتی ندارد که اگر بعد از بستن قونسلگریها که یک خانه جاسوسی در تمام این ممالک بود بعد از عمل خلع بد که اینطور ملت ایران در اینجا باید گفت شرافتمندانه عمل کرد برای اینکه اگر ملت ما نفهمیده بود اگر ملت ما پی به ارزش این مبارزه اش نبرده بود بایستی در موقع خلع ید خونریزی شود. یک اتفاقات ناگواری در سراسر این مملکت بوجود بیاید و در خوزستان بدون سرو صدا تخلیه نکنند ولی این نمونه رشد و نمونه بیداری ملت ما است که اینطور عافلان عمل کرد و ۳۸۰۰ نفر انگلیسی را در حقیقت بکارون ریخت بدون اینکه مواز سر کسی کم بشود یا خون از دماغ کسی بیاید اینها تمام دلالت و نمونه های برجسته است که ملت ایران در این مبارزه جانی و مقدس از خود نشان داده است حالا تعجب میکنم که اشخاصی بخوانند ملت امروز ایران را با دوره ۱۵ و با ملتی که در زیر سلطه حکومت نظامی بود و در آن موقعی که آن انتخابات مفذع مؤسسان را انجام دادند و قانون اساسی ایران را خدشه دار کردند بخوانند مقایسه بکنند من نمیخواستم این حرفها بزنم (میراشرفی - ملت ایران همیشه شجاع بوده این دوساله شجاع نشده است ۲۵۰۰ سال است ما تاریخ داریم) آقای میراشرفی خواهش میکنم برای این که مبتوسم یک حرفهاییکه بمصلحت نباشد اینجا بزنم (میراشرفی - هر چه میخواهد بفرماید ، هر چه دلتان میخواهد بگوئید هزار تومان در شهر یاز خرج کرده است و یک مصلحت و غیر مصلحت را بگوئید اینجا برای حرف زدن است بگوئید اینجا برای این است که ملت بداند مصلحت چیست هر چه هست که چارهها باز بشود و ببیند که اینجا یک جمعیتی از خارج با کامیون آورده اند و با شاستامه اموات آورده اند با شاستامه اطفال

ما در دوره پانزدهم آن بیداری واحساسات را پیدا کرده بود مطمئن باشید آنها بیکه دست بقانون اساسیش زده بودند به سرباز میبردند من نمیخواهم این حرفها را اینجا بزنم (میراشرفی - بگوئید) چشم و گوش بازو این عمی - حیرتم از چشمهای خدا یک مردم تهران مثل زنجیر خط جیب کشیده بودند دور انجمن ها که حتی در دربارش دوساعت معطل شده (در روزی که کیهان نوشته) تارفته است رای خود را داده است بیایند این انتخابات را بخند و قلابی قلمداد بکنند این انتخابات با انتخابات خیلی جاها فرق دارد انتخابات اینجا نوشته شده و انتخابات مشکین شهر حقیقی بوده است (خنده تماشاچیان) آقایان (خطاب به تماشاچیان) خواهش میکنم تظاهر نکنید چه حقی دار بدقت نظر میکنید؟ (زنک رئیس) ناصر ذوالفقاری تقصیر رئیس است) اما انجمن خانوادگی جرم د کتر شایگان و جرم این انجمن این بوده که فقط آقای ذکاء السلطنه که هر کس صلاحیت و پاکتی او تصدیق دارد توی این انجمن بوده است جناب آقای میراشرفی در انتخابات دوره پنجم تهران مرحوم مشیر الدوله رئیس انجمن طهران بود د کتر مصدق عضو انجمن بود مؤتمن الملک عضو انجمن بود تقی زاده عضو انجمن بود و همه هم انتخاب شدند و کسی نگفت انجمن خانوادگی حالا اگر پدر زن آقای د کتر شایگان عضو انجمن بوده دلیل بر این است که انتخابات مخدوش و خانوادگی بوده است اگر ۱۰۸ نفر دعوت بکنند ۰۰۰ (میراشرفی - آقای توتونچیان با کی فامیل بوده؟) آقای توتونچیان در ۲۰ سال قبل دختر ایشان از دواج دیگری است و این را نمیشود نسبت گفت (یک نفر از نمایندگان) بفرض که نسبت باشد چه مانعی دارد) آقای توتونچیان مردی است درستکار و مقدس در بازار و خیلی هم متدین است ولی در عین حال در بیست و چند سال قبل صبیبه ایشان عیال برادر من بوده و پس از چند سال متار که شده است و در ازدواج دیگری است (ناصر ذوالفقاری - قوم و خویش داشتن که مانعی ندارد) در عوض اگر می توانستند خوب بود که می گفتند آقای توتونچیان یکجا کلاه مردم را برده است یکجا لطمه بزند گی مردم زده است ولی نتوانستند چنین ایرادی بگیرند ایشان از مردمان خیری هستند که بانصد هزار تومان در شهر یاز خرج کرده است و یک بیمارستانی بخرج خودش و از جیب خودش ساخته (میراشرفی- این هادلیل صحت انتخابات نیست) الان عرض میکنم پس دلیل صحت انتخابات مشکین شهر خواهد بود! ایشان مسجدی ساخته است در خیابان غفادی که

ما در دوره پانزدهم آن بیداری واحساسات را پیدا کرده بود مطمئن باشید آنها بیکه دست بقانون اساسیش زده بودند به سرباز میبردند من نمیخواهم این حرفها را اینجا بزنم (میراشرفی - بگوئید) چشم و گوش بازو این عمی - حیرتم از چشمهای خدا یک مردم تهران مثل زنجیر خط جیب کشیده بودند دور انجمن ها که حتی در دربارش دوساعت معطل شده (در روزی که کیهان نوشته) تارفته است رای خود را داده است بیایند این انتخابات را بخند و قلابی قلمداد بکنند این انتخابات با انتخابات خیلی جاها فرق دارد انتخابات اینجا نوشته شده و انتخابات مشکین شهر حقیقی بوده است (خنده تماشاچیان) آقایان (خطاب به تماشاچیان) خواهش میکنم تظاهر نکنید چه حقی دار بدقت نظر میکنید؟ (زنک رئیس) ناصر ذوالفقاری تقصیر رئیس است) اما انجمن خانوادگی جرم د کتر شایگان و جرم این انجمن این بوده که فقط آقای ذکاء السلطنه که هر کس صلاحیت و پاکتی او تصدیق دارد توی این انجمن بوده است جناب آقای میراشرفی در انتخابات دوره پنجم تهران مرحوم مشیر الدوله رئیس انجمن طهران بود د کتر مصدق عضو انجمن بود مؤتمن الملک عضو انجمن بود تقی زاده عضو انجمن بود و همه هم انتخاب شدند و کسی نگفت انجمن خانوادگی حالا اگر پدر زن آقای د کتر شایگان عضو انجمن بوده دلیل بر این است که انتخابات مخدوش و خانوادگی بوده است اگر ۱۰۸ نفر دعوت بکنند ۰۰۰ (میراشرفی - آقای توتونچیان با کی فامیل بوده؟) آقای توتونچیان در ۲۰ سال قبل دختر ایشان از دواج دیگری است و این را نمیشود نسبت گفت (یک نفر از نمایندگان) بفرض که نسبت باشد چه مانعی دارد) آقای توتونچیان مردی است درستکار و مقدس در بازار و خیلی هم متدین است ولی در عین حال در بیست و چند سال قبل صبیبه ایشان عیال برادر من بوده و پس از چند سال متار که شده است و در ازدواج دیگری است (ناصر ذوالفقاری - قوم و خویش داشتن که مانعی ندارد) در عوض اگر می توانستند خوب بود که می گفتند آقای توتونچیان یکجا کلاه مردم را برده است یکجا لطمه بزند گی مردم زده است ولی نتوانستند چنین ایرادی بگیرند ایشان از مردمان خیری هستند که بانصد هزار تومان در شهر یاز خرج کرده است و یک بیمارستانی بخرج خودش و از جیب خودش ساخته (میراشرفی- این هادلیل صحت انتخابات نیست) الان عرض میکنم پس دلیل صحت انتخابات مشکین شهر خواهد بود! ایشان مسجدی ساخته است در خیابان غفادی که

بانصد هزار تومان خرج آن مسجد کرده این اشخاص عضوانجمن تهران بوده اند برای اخذ رأی ۹۴ صندوق در تهران بوده است و ۸ صندوق هم در حومه تهران و این انتخابات با انتخابات مجلس مؤسسان و یا با انتخابات دوره ۱۵ خیلی تفاوت دارد برای این که آنوقت ۲۰ صندوق در تهران و چهار صندوق در حومه برای مدت ۵ روز بوده و برای انتخابات دوره هفده ۱۰۴ صندوق در تهران و حومه تهران برای اخذ آراء در نظر گرفته شده است همان روزهایی که انتخابات در شرف پایان بود پادم هست آقای فرامرزی در روزنامه کیهان نوشته بودند خوبست مردم شهرستان ها از طرز انتخابات تهران سر مشق بگیرند و همینطوری که در انتخابات تهران بانظم و ترتیب عمل کرده و آبرومندانه پایان رسانیده اند شهرستانها هم این کار را بکنند، مخبر رویتر و مخبر تایمز و سایر مخبرین انگلیسی که در تهران بودند و میخواستند يك كاهی را كوهی بکنند نتوانستند با انتخابات تهران اعتراض بکنند پس معلوم میشود که تنها روزنامه آتش بوده است که با انتخابات تهران اعتراض کرده است و خواسته است مخدوش قلمداد کند (میر اشرافی - سایر روزنامهها هم بوده است) روزنامههای خارجی عموماً در تمام ممالک جریان انتخابات تهران و آزادی مردم را در موقع اخذ رأی مستودند و نمونه رشدملی ما قلمداد کردند و من باین ملت و باین مردم رشید تهران افتخار میکنم که این اندازه رشدملی از خودشان نشان دادند و دنیا صلاحیت و رشد آنها را تصدیق کرده است و من خیلی از آقای میراشرافی تعجب میکنم که میآیند پشت تریبون و ضمن اینکه اعتراض بمن و رفقای من داشتند اعتراض بر رشدملی مردم و میزان آراء کردند در صورتیکه خوب بود اعتراض خودشان را از راه دیگری بیان میکردند و بر رشدملی مردم پایتخت اعتراض نمیکردند (میراشرافی - سوء جریان بر رشدملی مردم پایتخت مربوط نیست) راجع با آقای جزایری فرمودند ایشان

از قراری که من شنیدم روی اعتبارنامه دونفر امضاء نکرده اند و بقیه را امضاء کرده اند آن هم حساب جدا گانه ای است که من نمیخواهم وارد آنها بشوم (میراشرافی - بنده خودم بمیشوم) بنده خودم میشوم ولی خواهش میکنم نکنند وارد بشوم برای اینکه آن هم از آن حرفهای خطرناک است، فرمودند که فرعه بازی شد در انتخابات البته قانون میگوید ۳۶ نفر باید انتخاب کنند ولی نگفته است این ۳۶ نفر را چه جور انتخاب بکنند بعلاوه روزی که جناب آقای نخست وزیر پشت همین تریبون راجع شروع انتخابات صحبت میکردند یکی از نمایندگان اقلیت آنوقت آقای فولادوند داد کشید، فریاد زد که فرمانداران را هم فرعه انتخاب کنید و بروید انتخابات را شروع نمایند، آقایان نمایندگان دوره ۱۶ که اینجا تشریف دارید این عبارت را گفت یا نگفت؟ (بعضی از نمایندگان - صحیح است) و دولت د کتر مصدق هم خواست بندی یکفره اقلیت جواب مثبت بدهد و احترام بگذارد (میراشرافی - مجلس قانون گذراند که يك ماه انتخابات بتأخیر بیفتد و د کتر مصدق گفت من بقانون اعتنائ میکنم) آقای میراشرافی من در بین بیان شما صحبتی نکردم (زنك) متد رئیس) آقای رئیس تمام مطالبی را که ایشان میگویند باید بيك ساعت بنده اضافه شود ایشان بقانون احترام میگذازند ولی قانون موقعی صورت اجرا خود میگیرد که از تصویب مجلسین ایران گذشته و بصحۀ اعلیحضرت همایونی برسد (فرامرزی - مسکوت بگذارید) تصمیمی مجلس گرفت و مجلس سنا تصویب نکرده بود بصحۀ اعلیحضرت همایونی هم نرسیده بود پس نمیشود گفت که آن قانون بود بفرمایش آقای فرامرزی هم من تسلیمم، امیدوار هستم نمایندگان محترم مجلس ایران اختلاف بین طرز انتخابات تهران و تشکیل انتخابات انجمن های تهران را که هزار نفر در آنها شرکت داشتند با بعضی نقاط دیگر تمیز بدهند خاصه چون حضرت آقای راشد وارد

شدند عرض میکنم انتخابات تهران انتخابات دولتی نبود کما این که با انتخاب ایشان و وجود حضرت آقای راشد که وارد هیچ دسته ای نبودند در مجلس شورای ملی ایران بهترین دلیل بر این است که مردم تهران رشد سیاسی، اجتماعی، ملی خودشان را بدرجه اعلی نشان دادند (صحیح است) و این مردمی که رشد ملی خودشان را اینطور نشان دادند بنده یقین دارم که بین بیان آقای میراشرافی و بنده هم تفاوت عادلانه خودشان را خواهند کرد و بنیاهم این تفاوت را کرده است کما اینکه بنده در این مجلس عده ای از نمایندگان محترم را می بینم که همه شان در انتخابات تهران شرکت کرده اند و همه شان رأی داده اند و اگر واقعاً وجدان میداند انتخابات تهران این طرز بوده است که آقای میراشرافی میگویند بکنند غیر از آقای میراشرافی بلند شود بگوید بتمام مقدمات اولین فردی که از این مجلس استعفا کند برود بنده خودم خواهم بود بیش از این عرضی ندارم

نمایندگان - رأی، رأی

رئیس - آقایانی که باصحت انتخاب آقای د کتر شایگان موافقتند ورقه سفید خواهند داد و آقایانی که مخالفند رأی کبود میدهند.

(اسامی آقایان بترتیب ذیل توسط آقای غروی منشی قرائت و در محل نطق اخذ آراء بعمل آمد)

آقایان: مهندس زیرك زاده - انگجی - میلانی - خسرو قشقائی - محمد ذوالفقاری - ناصر ذوالفقاری - محمد حسین قشقائی - د کتر معظمی - د کتر کیان - عبدالرحمن فرامرزی - گنجیه ای - حمیدیه - مجتهدی - د کتر ملکي - یارسا - موسوی - کهبید - د کتر طاهری - د کتر مصباح زاده - بهادری - ذکائی - ملک مدنی - مصدقی - فرزانه - اقبال - راشد - خلخالی - مدرس - افشار - نبوی - احمد فرامرزی - د کتر فلسفی - حائری زاده - معتمد ساوندی - مشار - مکی - قنات آبادی - کریمی - زهری - ناظرزاده - مهندس رضوی - شادلو - شوکتی.

منصف و کیل پور - ریگی - د کتر ققیهی شیرازی - پور سرتیب - جلیلی - صراف زاده - تولیت - افشار - افشار صادقی - هدی - شبستری - نریمان - نجفی - د کتر فاخر - اورنگ - شاپوری - مهندس غروی

(پس از شماره آراء ۶۰ ورقه سفید موافق شماره شد)

رئیس - از ۶۱ نفر عده حاضر با ۶۰ رأی موافق اعتبارنامه آقای د کتر شایگان تصویب شد

اسامی موافقین - آقایان: مهندس زیرك زاده - انگجی - میلانی - خسرو قشقائی - محمد ذوالفقاری - ناصر ذوالفقاری - محمد حسین قشقائی - د کتر معظمی - د کتر کیان - عبدالرحمن فرامرزی - گنجیه - حمیدیه - مجتهدی - د کتر ملکي - یارسا - موسوی - کهبید - د کتر طاهری - د کتر مصباح زاده - بهادری - ذکائی - ملک مدنی - مصدقی - فرزانه - اقبال - راشد - خلخالی - مدرس - افشار - نبوی - احمد فرامرزی - د کتر فلسفی - حائری زاده - معتمد ساوندی - یوسف مشار - مکی - قنات آبادی - کریمی - زهری - ناظرزاده - مهندس رضوی - شادلو - شوکتی - منصف و کیل پور - ریگی - د کتر ققیهی شیرازی - پور سرتیب - جلیلی - صراف زاده - امیر افشاری - افشار صادقی - هدی - شبستری - نجفی - د کتر فاخر - اورنگ - شاپوری - مهندس غروی - نریمان

۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم میکنم جلسه آینده روز ۵ شنبه ۲ ساعت بظهر مانده موکول میشود و دستور رسیدگی باعتبار نامه ها

(یکریع بعد از ظهر مجلس ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - اورنگ